

حدس بزنید!

حدس بزنید که این گردهمایی در شهر ولینگه سوئد برای چیست؟



عکس بالا تجمع بخشی از مردم ولینگه در رابطه با اسکان سی کودک آواره از کشورهای آسیایی و آفریقایی است. کودکانی که نظام جابر سرمایه، نه تنها امنیت و امکان زندگی‌شان، بلکه پدران و مادرانشان هم از آنان گرفته است. مردم ولینگه با خبر از تصمیم احتمالی چند سیاستمدار برای اسکان دادن سی کودک بی‌پناه در یک مسافرخانه شهر، تجمع کرده‌اند. حدس بزنید که موضوع این تجمع چیست؟

آیا در تصویر بالا بدنبال دسته‌گل‌هایی می‌گردید که قرار است از طرف «میهمان‌نوازترین» کشور دنیا به کودکانی بدهند که هستی‌شان توسط دول غربی و از جمله سلاح‌های سوئدی نابود شده است؟ اگر دسته گلی نمی‌یابید، فضای عمومی را با خیره شدن بر چهره‌ها و احوال تجمع‌کنندگان، با استفاده از تکنیک تفسیر حالات و کردار ظاهری انسانها، حدس بزنید. آیا نشانه‌های نگرانی و سنگینی فضا در تصویر بالا به چشم می‌خورد؟ حدس می‌زنید که خبر اسکان دادن سی کودک آواره در یک مسافرخانه، وجدان‌های مردم «متمدن» و مدافع «حقوق بشر» را به عذاب انداخته و موجب خشم آنان به سیاستمداران نشان‌گشته است؟ شاید هم حدس می‌زنید که این تجمع در اعتراض به بی‌حرمتی به کودکان آواره بخاطر اسکان آنان در یک مسافرخانه قدیمی است. اندیشه کنید و حدس بزنید که تجمع بخشی از مردم شهر سی‌هزار نفرده ولینگه، در رابطه با اسکان کودکان بی‌پناه و بی‌کس در مسافرخانه شهر ولینگه، برای چه خواسته‌هایی است؟

مفهومی که در ذهن شما از تصویر بالا شکل می‌گیرد، بناگزیر با تصویر ذهن‌تان از سوئد و فرهنگ جامعه سوئد گره خورده است. این تصویر دومی کدام است؟ چه تصویری از سیاست دولت سوئد و فرهنگ اجتماعی آن در قبال پناهجویان آفریقایی و آسیایی، حتی کودکان پناهجو دارید؟ احزاب سیاسی ایران چه تصویری از سیاست احزاب پارلمانی سوئد برایتان ترسیم کرده‌اند؟ با همان تصویر، عکس بالا را تفسیر کنید. آیا میدانید که خواست این تجمع چیست؟

« ما این کودکان را به شهرمان راه نمی‌دهیم. این کودکان اجازه سکونت در این شهر ندارند! »

بخشی از مردم ولینگه تجمع کرده‌اند تا به خبر احتمال اسکان کودکان آواره در یک مسافرخانه اعتراض کنند. پیش از اینها نماینده مجلس محلی این شهر در سایت شهرداری، مخالفت رسمی خود را با تصمیم چند سیاستمدار اعلام کرده است. روزنامه افنون بلادت، وابسته به سوسیال‌دمکرات‌های سوئد، سرتیتر این خبر را چنین بیان کرده است؟

« دوچرخه‌های دزدی شده، شیوع بیماری‌ها و قرارگاه پناهندگانی که به آتش کشیده شده است. نگرانی و تنفر وسیع عمومی در قبال خبر اسکان کودکان آواره و بی‌پناه آفریقایی و آسیایی در مسافرخانه شهر. »

همین چند کلمه که سرتیتر روزنامه «جناح سوسیالیست» و اپوزیسیون دولت راست را آذین کرده، درخور تامل است. دوچرخه‌های به سرقت رفته و بیماری‌ها در یک سو و قرارگاه پناهندگان که آتش زده شده در سوی دیگر سرتیتر روزنامه خودنمایی میکند.

سپس نیز از قول نماینده مجلس محلی میگوید که خشم مردم را درک میکند. این نشانه کوچکی از روش گره زدن خلاف و جنایت به مهاجران و غیرسوئدی‌ها، حتی کودکانی که هنوز طوق مهاجر و پناهنده‌گی بر گردنشان نیاویخته، می‌باشد.

راسیسم فرهنگی سوئد با راسیسم علمی و سیاسی، همه و همه یک جا در همین عکس و خبر خودنمایی میکند. تازه این نوع راسیسم در مقایسه با نوع دانمارکی آن بسیار ملایم‌تر است. تحقیق و توهین و حتی آزار نوجوانان ساکن محله‌های غیر سفید در دانمارک مبدل به خط و مشی رسمی پلیس و دستگاه دولتی دانمارک گشته. در انگلیس و اسپانیا و ایتالیا اشکال نژادپرستی عریان‌تر و سیاسی‌تر است.

بحران سرمایه و نیاز کمتر به نیروی کار ارزان، به هنگام بیکاری گسترده، چهره واقعی سرمایه و سیاست و فرهنگ طبقه حاکم را برملا میکند. در پیوند با این روند، باید چهره ناپاک احزاب سیاسی ایران را نیز از زیر نقاب بیرون کشید. چهره آندسته از فعالین سیاسی که تحت پوشش مخالفت با دولت مذهبی و فاشیستی در کشوری دیگر، به صف راسیسم و راست افراطی پیوسته، مبلغ ادبیات و سیاست‌های دول امپریالیستی بوده و جنایات رژیم اسلامی را تبدیل به پرده ساتر این خودفروشی سیاسی کرده‌اند.

همزمان با انتشار خبر اعتراض به اسکان دادن چند کودک پناهنده در سوئد، یکی از رادیوهای محلی فارسی زبان گوتنبرگ سوئد، به «هموطنان خود» فراخوان میداد تا به حزبی رای دهند که اعلام نموده که مسلمانان را به سوئد راه نخواهد داد. و البته ایشان نیک میدانند که سران حزب مورد علاقه وی، حاضرند تا برای بستن قراردادهای میلیاردی، خودشان را با امام‌های مسلمانان افراطی سرمایه‌دار بدار بکشند. همین آقایان از پیشقراولان دفاع از شرکت اریکسون برای صدور تکنولوژی کنترل و سرکوب به جمهوری اسلامی بوده‌اند. خدمات بگیران رادیوهای بی‌مقدار محلی میدانند که در فرهنگ زبانی سوئد، مسلمان، مهاجر و پناهنده‌ای است که از کشورهای خاورمیانه به سوئد می‌آید.

احزابی که فعالینشان، از سروکول همدیگر بالا می‌روند تا شکونامه‌ها و دادخواهی‌هایشان از سیاستمداران اروپا را با افتخار برای شما بخوانند. همان احزابی که سازمان مسلمانان سابق میسازند تا بعنوان شهروندان این جامعه، صف سیاسی‌شان را انتخاب کنند. این احزاب نیز میدانند که در سوئد، کلمه مسلمان ربطی به دین یا عقیده افراد نداشته، بلکه، لقبی است که به تمام افرادی که چهره خاور میانه‌ای دارند اطلاق میشود. این احزاب نیز با پلاتفرم دفاع از مدرنیته سرمایه، با مسیحیت افراطی علیه اسلام افراطی متحد گشته‌اند.

جهان سرمایه همچنان در حال چرخش بسوی راست است. برغم شکست استراتژی جنگی دستگاه بوش، بحران اقتصادی و قطب بندی سیاسی، کماکان بنفع طبقات حاکم به پیش میرود. دولت‌ها علیه یکدیگر بسیج می‌شوند و جنگ پنهان تجاری تشدید میگردد. تفاوت و خطبندی‌های احزاب راست، میانه و چپ سرمایه، روز بروز کمتر میشود. همین خبر روزنامه مورد علاقه چپ‌های جهان سوم و عمل سیاسی دولت راست‌گرا و مکانی که احزاب راست و چپ ایرانی، در صف سیاسی این جامعه احراز کرده‌اند را با یکدیگر مقایسه کنید. کلیه احزاب سیاسی راست و چپ سیستم سرمایه قادر هستند تا در دفاع از سرمایه و مدرنیته، تا سرحد حمله به کارگران و کودکان و استثمار شدگان پیش روند.

جهان سرمایه و سیستم سیاسی آن در منجلابی از تعفن فرو میرود. جهانی دیگر باید ساخت. جهانی که در آن کودکی بی‌پناه نمیشود، انسانی استثمار نمیگردد و جنگی وجود ندارد. برای ساختن چنین جهانی، حزبی با باور به برابری، آزادی و ایجاد یک جامعه انسانی ضروری است.

11/11/2009